

**The Model of Defining Cultural Issues for Socio-Cultural Policy
Making in Urban Cultural Organizations
(Comparative Study of Cultural Organizations of Tehran, Isfahan
and Mashhad Municipalities)**

Mohammad Vahid Safi Esfahani*

Received: 25/05/2020

Hassan Bashir**

Accepted: 08/09/2020

Abstract

One of the leading challenges in the field of contemporary Iranian cultural policy- making is that a subject or cultural event, rather than passing through the lens of a precise pattern and becoming a cultural issue, proceeds through the channel of personal ideas, thoughts, perceptions, and personal interests. In order to be able to identify issues in the country's cultural environment, it is necessary to understand what concepts and languages there are in the country's official discourse that shape society's cultural policies. It is also necessary to understand the various trends and methods of problematics in order to achieve consistent and unified policies and programs.

In this research, with a qualitative approach and using multiple case study strategy, three major urban cultural organizations of the country have been studied to extract and compare their problematic patterns. Based on the findings of this study, the identified policy line for cultural issues of Tehran Municipality Cultural Organization is: "Top-Axial and Integrated Policy" with the priorities of "Religious-Defense Culture" and the rule of model and "all-subject" pattern. For Isfahan, the policy is "elite-oriented and integrated" with the priorities of "citizenship culture" and the rule of the conceptual model of "multi-subject" management, and for Mashhad is: "people-centered and integrated" policy with the priorities of "popular-revolutionary culture". And the dominance of the "multi-subject" social attachment model.

Keywords

Cultural Issues Defining; Culture and City; Cultural Policy Making; Cultural Policies; Cultural Organizations; Cultural Policy.

* PhD Candidate of Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran (Corresponding Author). safivahid@gmail.com

** Professor, Faculty of Islamic Studies, Culture and Communication, Imam Sadiq University, Tehran, Iran. bashir@isu.ac.ir

الگوی مسأله‌شناسی برای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی - اجتماعی در سازمان‌های فرهنگی شهری (مطالعه تطبیقی سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های تهران، اصفهان و مشهد)

محمدوحید صافی اصفهانی *

حسن بشیر **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۸

مقاله برای اصلاح به مدت ۳۰ روز نزد نویسنده (گان) بوده است.

چکیده

یکی از چالش‌های پیش‌رو در عرصه خط‌مشی‌گذاری فرهنگی ایران معاصر این است که یک موضوع و یا رخداد فرهنگی بیش از آنکه از دریچه یک الگوی دقیق رد شود و به مسأله‌ی فرهنگی تبدیل شود، از دالان عقاید، باورها، برداشت‌ها و علائق شخصی فرد خط‌مشی‌گذار می‌گذرد و شکل مسأله فرهنگی به خود می‌گیرد. برای اینکه بتوانیم در فضای فرهنگی کشور، مسأله‌شناسی کنیم، ضروریست که دریابیم در گفتمان رسمی کشور چه مفاهیم و چه زبانی وجود دارد که سیاست‌های فرهنگی جامعه را می‌سازد. همچنین، فهم و شناخت روندها و روش‌های مختلف مسأله‌شناسی برای رسیدن به خط‌مشی‌ها و برنامه‌های منسجم و واحد امری ضروریست.

در این تحقیق با رویکرد کیفی و با استفاده از استراتژی مطالعه موردی چندگانه، سه سازمان فرهنگی شهری بزرگ کشور مورد مطالعه قرار گرفته است تا الگوی‌های مسأله‌شناسی آنها استخراج و مورد مقایسه قرار گیرد. بر مبنای یافته‌های این تحقیق، خط‌مشی‌شناسایی شده برای مسأله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، اصفهان و مشهد به ترتیب: خط‌مشی «بالادست محوری و تلفیقی» با اولویت‌های «فرهنگ دینی - تدافعی» و حاکمیت الگوی روال‌نامه‌ای و «همه موضوعی»، خط‌مشی «نخبه محوری و تلفیقی» با اولویت‌های «فرهنگ شهروندی» و حاکمیت الگوی مفهومی مدیریتی «چندموضوعی» و خط‌مشی «مردم محوری و تلفیقی» با اولویت‌های «فرهنگ مردمی - انقلابی» و حاکمیت الگوی پیوست اجتماعی «چندموضوعی» است.

واژگان کلیدی

مسأله‌شناسی فرهنگی؛ فرهنگ و شهر؛ خط‌مشی‌گذاری فرهنگی؛ خط‌مشی‌های فرهنگی؛ سازمان‌های فرهنگی؛ سیاست فرهنگی.

* دانشجوی دکتری فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

Safivahid@gmail.com

** استاد دانشکده معارف اسلامی، فرهنگ و ارتباطات، دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، ایران

Bashir@isu.ac.ir

مقدمه

در هر فرهنگ با تعریفی که از مفهوم فرهنگ ارائه می‌شود، فرآیند مسأله‌شناسی فرهنگی سیری تاریخی متناسب با همان تعاریف پیدا خواهد کرد، به این معنا که ما فرهنگ را یک ابرمتن می‌دانیم که از تولید و بازتولید سایر متون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، شکل می‌گیرد و به صورت پویا در حال تحول می‌باشد. نخبگان فرهنگی و اجتماعی هر جامعه براساس فهمی که از این متون دارند، به تحلیل پدیده‌ها و رفتار افراد جامعه پرداخته و کنش و واکنش‌های افراد را بر این اساس تحلیل و تفسیر می‌کنند و نهایتاً به نظریه پردازی در مورد رفتارها و عادات فرهنگی همان فرهنگ روی آورده و گهگاه براساس همان نظریات فرهنگی خود به آسیب‌شناسی مسائل فرهنگی نیز می‌پردازند.

در دوران حاضر، ضرورت موضوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی امری انکارنشدنی است، لذا برای دستیابی به این مهم، اولاً باید به فهم صحیحی از بستر و زمینه سیاست‌های فرهنگی جامعه خود برسیم، به این معنا که خط‌مشی‌های فرهنگی در کشور ما چیست و چگونه این خط‌مشی‌ها در دستور کار قرار می‌گیرند، ثانیاً: براساس تعریف و شناختی که نسبت به مفهوم فرهنگ وجود دارد، مسائل فرهنگی چگونه در این خط‌مشی‌ها شکل یافته و شناخته می‌شوند و ثالثاً: بر مبنای نظریه فرهنگی حاکم بر جامعه‌ی ایران و مطابق این خط‌مشی‌ها راه حل این مسائل فرهنگی چگونه کشف و احصاء می‌شوند و برای حل آنها سیاست‌ها و یا برنامه‌هایی اتخاذ می‌شود. نهایتاً اینکه ما بدانیم در چه وضعیتی به سر می‌بریم (شناخت وضع موجود)، جهت نیل به وضعیت مطلوب امری بسیار مهم و ضروری است.

۱. اهمیت تحقیق

از آنجایی که در ایران معاصر یکی از فقیرترین حوزه‌ها در عدم انباشت علم و تجربه‌ی علمی و قطعی، مدیریت فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی و اجتماعی است، این تحقیق و پژوهش‌های مشابه آن، خشت‌های اصلی شکل‌دهنده به ساختمان نظریه‌ی فرهنگی بومی ایرانی - اسلامی که همان وضعیت مطلوب نظام مقدس جمهوری اسلامی است خواهند بود. این پژوهش به دنبال آن است که ضمن تشریح و تبیین ادبیات نظری و علمی مسأله‌شناسی فرهنگی و جایگاه آن در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، با رویکردی

کاربرد و با نگاه به وضعیت موجود، به سازمان‌های فرهنگی شهری در جمهوری اسلامی ایران رجوع کرده و به بررسی الگوهای مسأله‌شناسی در سه سازمان فرهنگی کلان شهرهای تهران، مشهد و اصفهان پردازد و از آنجایی که در دوره کنونی ورود جدی شهرداری‌ها به عرصه فعالیت‌های فرهنگی شهری را شاهدیم و قطعاً یکی از پرتأثیرترین سازمان‌های فرهنگی که در زمینه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تفریحی کلان شهرها نقش‌آفرینی می‌کنند و هم‌زمان دست به خط‌مشی‌گذاری، اجرا و نظارت می‌زنند، سازمان‌های فرهنگی زیرمجموعه شهرداری‌ها می‌باشند، لذا با انتخاب سه سازمان هم‌سنخ در این حوزه یعنی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سازمان فرهنگی اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان و سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، سعی بر این است که ابتدائاً به شناخت و توصیفی دقیق از الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در این سازمان‌ها دست یافته و به دنبال آن، با مقایسه تطبیقی این الگوها، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در فرآیند مسأله‌شناسی فرهنگی را مشخص نماییم.

۲. هدف تحقیق

جایگاه تحقیقی این پژوهش پرداختن صرف به مقوله مسأله‌شناسی فرهنگی به عنوان حد فاصل نظریه فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی است. هرچند در باب شناخت پدیده فرهنگ، فهم مفهوم و تعریف فرهنگ، کشف نظریه فرهنگی و رسیدن به الگوهای خط‌مشی‌گذاری فرهنگی حرف و سخن و جای تحقیق بسیار است، اما رسالت اصلی این تحقیق، محدود به کاری توصیفی و مقایسه‌ای درخصوص مسأله‌شناسی فرهنگی در بستر واقعیت موجود سازمان‌های فرهنگی ایران است. در همین خصوص، اولین گام در ورود به تبیین ادبیات نظری الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان‌های مذکور، تبیین چارچوب نظری لازم و بیان تعاریف مطلوب و مدنظر از کلیدواژه‌های اصلی این تحقیق یعنی، مسأله، مسأله‌شناسی، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، مسائل فرهنگی و اجتماعی و سازمان‌های فرهنگی شهری است که در ادامه بدان پرداخته می‌شود.

۳. مسأله و مسأله‌یابی

واژه‌ی «مسأله» معادل با واژه «Problem» به کار می‌رود و در اصل به معنای «امری است که برای ما ناشناخته یا مجهول باشد.» به دلیل اینکه امور ناشناخته همواره برای ما نوعی

دشواری یا مشکل اعم از مشکل ذهنی یا مشکل واقعی ایجاد می‌کند، به مسأله، «مشکل» نیز گفته می‌شود (طرقی، ۱۳۸۴، ص. ۱۵۷). اما به عقیده‌ی برخی این دو کلیدواژه یعنی «مسأله» و «مشکل» تفاوت‌های جدی با یکدیگر دارند. شاخص‌هایی برای تفکیک مسأله و مشکل وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از:

۱. ذهنیت و عینیت: مسأله کاملاً ذهنی و مشکل عینی است.
۲. مسأله، موضوع است، اما مشکل سوژه کاربردی و عملیاتی است.
۳. کلی و جزئی: مسأله کلی و مشکل جزئی است.
۴. از هر مسأله چندین مشکل می‌تواند ایجاد شود.
۵. مشکل ناظر به بحران وقوع است، اما مسأله این گونه نیست (خدایی مهر، ۱۳۹۲، ص. ۳۱).

به‌طور کلی در هر اجتماعی، میزان اهمیتی که جامعه به یک مسأله می‌دهد در شناسایی و درک آن تأثیرگذار است (قلی‌پور، ۱۳۸۹، ص. ۱۲۶). امروزه در بسیاری از جوامع، ایدئولوژی‌ها و نظام ارزشی تعیین‌کنندگان اصلی مسائل هستند. اشتریان در این خصوص می‌گوید: «ایدئولوژی‌ها به مثابه متغیرهای تبیینی در تعیین مسائل و موضوع‌های سیاست-گذاری عمل می‌نمایند. دولت‌ها به ویژه دولت‌های آرمان‌گرا، برای تحقق اهداف ارزشی، نیروی خود را متوجه مسائل ویژه‌ای می‌کنند» (اشتریان، ۱۳۹۱، صص. ۵۲-۵۰). به همین دلیل عمدتاً «مسائل و مشکلات تنها به دلیل وجود داشتن یا اهمیت‌شان در بهبود زندگی افراد جامعه مطرح نمی‌شوند، بلکه به علت طرح آنها در جریان گفتمان، و در نتیجه به وجود آمدن، نقش تقویت‌کننده ایدئولوژی‌ها را پیدا می‌کنند. این نوع موضوعات مشخص می‌کنند چه کسی ارزشمند و مفید، چه کسی خطرناک و بی‌کفایت و چه عملی شایسته پاداش یا تنبیه است.» (Edelman, 1988, p. 79). به هر ترتیب تعیین حدود یک مسأله و شناخت دقیق صورت مسأله فرهنگی، نخستین قدمی است که سیاستگذار را در برنامه‌ریزی و انتخاب راه‌حل‌ها یاری می‌دهد، چه بسیارند سیاست‌هایی که به هیچ نتیجه‌ای نمی‌رسند، تنها به دلیل اینکه از همان ابتدا بر یک مسأله مبهم، بنیانگذاری شده‌اند (اشتریان، ۱۳۹۱، صص. ۳۸-۳۷). به همین جهت «مسأله‌یابی به عنوان نقطه آغاز سیاستگذاری تلقی می‌شود، به‌طوری که اگر مسأله گزینش نشود سایر مراحل نیز به

درستی انجام نخواهد شد.» (الوانی، ۱۳۹۱، ص. ۵) جان دیویی^۱ معتقد است: «نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات بستگی به این دارد که مسئولان خط‌مشی‌گذار چگونه آنها را درک و احساس کنند.» (الوانی، ۱۳۹۱، صص. ۵-۶) در کشور ما در میان بسیاری از مدیران و سیاست‌گذاران فرهنگی، «مسأله» و «مشکل» یکی در نظر گرفته می‌شود و مطابق آن چه بیان شد، ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز نقشی محوری در صورت‌بندی مسائل دارند.

۴. مسأله‌شناسی

وقتی صحبت از مسأله‌شناسی می‌شود، بسیاری از افراد، اولویت‌بندی و تهیه یک لیست دقیق از مشکلات در ذهنشان متبادر می‌شود، ولی مسأله‌شناسی هم اولویت‌بندی و هم غربال مسأله‌هاست (بنیانیان، ۱۳۸۹، ص. ۵۴). اگر فرایند سیاست‌گذاری را شامل سه مرحله شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی بدانیم، در «شکل‌گیری» به عنوان اولین مرحله، به شناسایی مشکلات پرداخته خواهد شد (مشکبی و خادمی، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۱). مسأله‌شناسی یا «صورت‌بندی مسأله»، فرآیندی است که در طی آن تعبیرهای متناقض ذینفعان مختلف درخصوص هر مشکل مورد بررسی و تحقیق قرار می‌گیرد، این بدون شک مهم‌ترین فعالیتی است که توسط تحلیل‌گران سیاستی انجام می‌پذیرد. صورت‌بندی مسأله در حقیقت یک نظام هدایت مرکزی یا نوعی مکانیسم هدایت‌کننده می‌باشد که در موفقیت مراحل بعدی تجزیه و تحلیل سیاستی موثر است. اهمیت بالای صورت‌بندی مسأله به این علت است که عدم موفقیت تحلیل‌گران سیاستی در حل هر مسأله اغلب ناشی از تعریف نادرست مسأله توسط آنها می‌باشد. از این رو به سیاست‌گذار یا پژوهشگر سیاست‌گذاری توصیه می‌شود که نخست به تحلیل همه جانبه مسأله موردنظر بپردازد و آن را دقیقاً صورت‌بندی کند (Dunn, 1994, p. 227). کارل پوپر^۲ معتقد است برای اطمینان خاطر از مسأله بودن یک مسأله، باید پرسش را از خود مسأله آغاز کرد. یعنی آنکه چرا اساساً مسأله‌ای مسأله است. پوپر بر اساس تفکر ابطال‌پذیری می‌کوشد به جای اثبات، آن را ابطال کند. به عقیده پوپر، معضلی که پیش روی ماست با خود مسأله و علت مسأله بودن آن آغاز می‌شود. به این فرآیند «صورت‌بندی مسأله» می‌گویند (کاظمی، ۱۳۷۹، ص. ۱۰۰).

۵. اهمیت سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری برای مسائل فرهنگی

در دوران حاضر، ضرورت موضوع سیاست‌گذاری فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری برای فرهنگ امری انکار نشدنی است. انسان‌ها بر اساس نظریه‌هاست که به فرهنگ خود می‌نگرند و مسائل را شناسایی می‌کنند و نهایتاً برای حل مسائل فرهنگی، از سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌گذاری‌های فرهنگی سود می‌برند. سال‌هاست که سیاست‌گذاران به این امر اذعان دارند که تحولات در شاخص‌های کلان اجتماعی نظیر شاخص‌های جمعیتی، شاخص‌های مشارکت اجتماعی - سیاسی، شاخص‌های رفاه اجتماعی و مقولات دیگری چون آموزش، بهداشت و آسیب‌های اجتماعی، همگی از سیاست‌گذاری فرهنگی تأثیر می‌پذیرند (همایون و جعفری، ۱۳۸۷، ص. ۱۴). اشتریان به نقش سیاست‌گذاری فرهنگی در تحکیم و تثبیت پایه‌های قدرت سیاسی یک کشور اشاره کرده و سنخ‌شناسی مسائل سیاست‌گذاری فرهنگی در این زمینه را در چهار مجموعه کلی بیان می‌نماید: ۱. بحران‌های فرهنگی اجتماعی ۲. منافع افراد و گروه‌های صاحب نفوذ ۳. آرمان‌ها و ایدئولوژی‌ها و ۴. منافع قدرت سیاسی (اشتریان، ۱۳۹۱، صص. ۴۰-۵۵).

۶. جایگاه مسأله‌شناسی در خط‌مشی‌گذاری فرهنگی

خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، شامل اصول و راهبردهای کلی و عملیاتی شده‌ای است که بر نوع و عملکرد فرهنگی یک نهاد اجتماعی استیلا دارد. به عبارت دیگر، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی، نوعی توافق رسمی و اتفاق نظر مسئولان فرهنگی می‌باشد و راهنما و دستورالعمل برای مدیران فرهنگی خواهد بود (شیری و حسن استادعلی، ۱۳۹۲، ص. ۱۲۴). به نظر جیم مک گیگان، خط‌مشی‌گذاری فرهنگی عبارت است از «برخورد ایده‌ها، نزاع‌های نهاد و رابط قدرت در زمینه تولید و توزیع معانی نمادین». مک گیگان معتقد است: سیاست‌گذاری به عنوان دانشی که تنها برای کاربرد اداری و رسمی تولید می‌شود و به همان میزان تحت حمایت مالی واقع می‌شود، به ندرت اهداف و مقاصد سازمان‌های متنفع را مورد نقد قرار می‌دهد (McGuigan, 1996, p. 97). توجه فزاینده به مقولات سیاست‌گذاری فرهنگی از دهه ۱۹۸۳ بدین سو منجر به ایجاد تعدادی نهادهای مختص پژوهش‌های مربوط به سیاست در کشورهای چون ژاپن، دانمارک، استرالیا، بریتانیا و ایالات متحده امریکا شد (میلنز و براویت، ۱۳۸۵، ص. ۲۹۵). در ایران نیز در چند دهه‌ی

گذشته، با توجه به شکل‌گیری مسائل و رویکردهای متعدد فرهنگی و اجتماعی نهادها و موسسات فراوانی با افق‌های مختلف و با هدف یاری رساندن به فرآیند خط‌مشی‌گذاری در سطح ملی و منطقه‌ای شکل یافته‌اند.

در خصوص اصل فرآیند خط‌مشی‌گذاری، رشته‌ها و حوزه‌های مطالعاتی مختلف از جمله مدیریت، علوم سیاسی، سیاست‌گذاری، آینده‌پژوهی و غیره تئوری‌ها و اصول متعددی را بیان داشته‌اند. در علم سیاست‌گذاری مراحل فرآیند سیاست‌گذاری فرهنگی عمدتاً در پنج مرحله تشریح می‌شود: ۱. مسأله‌شناسی فرهنگی، ۲. راه حل، ۳. تصمیم، ۴. اجرا و بازخورد و ۵. ارزیابی (اشتریان، ۱۳۹۱، ص. ۴۷). بسیاری از موضوعات فرهنگی پس از در «دستور کار قرار گرفتن» توسط دولتها و حکومت‌ها، شکل مسأله فرهنگی به خود می‌گیرند. جان کینگدان می‌گوید: «دستور»، شامل موضوعات و مفاهیمی است که از طرف مقام‌های رسمی دولت و یا افراد خارج از دولت و نزدیک به مقامات دولتی، در زمان‌های مختلف مورد توجه جدی قرار می‌گیرند و از این میان تنها به تعدادی از مسائل توجه جدی می‌شود نه همه آنها، لذا در فرآیند دستورگذاری، مجموعه موضوعات قابل تصور به مجموعه‌ای محدودتر تقلیل می‌یابند تا واقعاً مورد توجه قرار گیرند (Kingdon, 1984, p. 44).

اهمیت توجه به مسأله‌یابی و مسأله‌شناسی فرهنگی در راستای ضرورت بازنگری در سیاست‌گذاری فرهنگی تعریف می‌شود. در مجموعه سیاست‌گذاری‌های عمومی، سیاست‌های فرهنگی بالاترین اهمیت را دارد. در نگاه یونسکو (۱۹۹۸) فرهنگ و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نه در حاشیه بلکه در کانون فرآیند توسعه پایدار کشورها تعریف می‌گردد (مشبکی و خادمی، ۱۳۸۷، صص. ۹-۴). بر همین اساس مسائل فرهنگی پایه و اساس خط‌مشی‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی دولت‌مردان و تصمیم‌گیران را تشکیل می‌دهد. از این رو پرداختن و جهت‌دادن به آن از فعالیت‌های اساسی دست‌اندرکاران و متخصصان سیاست‌گذاری محسوب می‌شود. در کشور ما به علت تعدد مراجع تصمیم‌گیری و نهادهای سیاست‌گذاری فرهنگی و به دلیل نبود الگوی جامع و مشخص برای سیاست‌گذاری در حوزه فرهنگ، ابهام زیادی در مسئولیت فرهنگی وجود

دارد و انسجام زیادی در برنامه و طرح‌های فرهنگی مشاهده نمی‌شود (خدایی مهر، ۱۳۹۲، ص. ۴).

۷. پیشینه تحقیق

در این حوزه و با این هدف، تاکنون پژوهش‌های مختلفی صورت گرفته است و از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱-۷. کوین وی، مولکاهی^۳ (۲۰۱۷). کتاب «فرهنگ عمومی، هویت فرهنگی، سیاست فرهنگی (چشم‌اندازهای تطبیقی)». دانشکده علوم سیاسی دانشگاه ایالتی لوئیزیانا

شاید به دلیل ماهیت مبهم آنچه فرهنگ را تشکیل می‌دهد، سیاست‌های فرهنگی عمومی فاقد اهداف مشخص، قاطع و مورد توافق مشترک هستند. این کتاب به دنبال تبیین این نگاه است که اهداف جهت‌دهنده به فرهنگ و مسائل فرهنگی بسته به ماهیت سیستم سیاسی و ارزش‌های ایدئولوژیکی که در ساختار هر فرهنگ تجسم می‌یابد، بسیار متفاوت است و این متغیرها بر چگونگی تعریف و فهم از فرهنگ و مسائل فرهنگی تأثیر فراوانی می‌گذارند.

در میان موضوعات مربوط به سیاست فرهنگی، این کتاب به دنبال تشریح موارد زیر برای تبیین و عملیاتی کردن مفهوم شناور فرهنگ و مسائل فرهنگی است:

- آنچه در یک سیاست فرهنگی حائز اهمیت است آشکار کردن رابطه بین فرهنگ‌های سیاسی و اصطلاحات خاص فرهنگ‌های عمومی است.
- سیاست فرهنگی به دنبال ارائه یک نمای کلی می‌باشد که در آن به تبیین آنچه در فرهنگ عمومی به عنوان یک سیاست عمومی درگیر است بپردازد.
- ترسیم اهداف، نیازها، مسائل فرهنگی و توجهات فرهنگ عمومی اولویتی بسیار مهم در تبیین سیاست فرهنگی دارد.
- بررسی چگونگی تعریف فرهنگ و مسائل فرهنگی و پیامدهای آن در تدوین سیاست عمومی نیز یکی از موضوعاتی است که در این کتاب بدان پرداخته شده است.

۲-۷. غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۵). مسأله‌شناسی در حوزه فرهنگ، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی معاونت مدیریت و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۳۹۵ به همت دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی معاونت مدیریت و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پژوهشی با هدف تولید ادبیات بومی در حوزه مسأله‌شناسی فرهنگی صورت پذیرفته است. پژوهشگر در این تحقیق پس از تبیین پیشینه‌های مربوط به تعریف و چستی مسأله عمومی، صورت‌بندی مسأله عمومی و تعاریف و ویژگی‌های مسائل فرهنگی در خصوص صورت‌بندی مسائل فرهنگی می‌گوید: «برای مفهوم‌سازی از صورت‌بندی مسائل فرهنگی در کشور ابتدا باید چند مؤلفه اساسی که نقش تعیین‌کننده در مفهوم‌سازی و حتی قابل فهم کردن صورت‌بندی دارند، مورد بررسی قرار داد. این بررسی بر چهار مؤلفه زیر متمرکز خواهد بود:

نخست، تعیین رویکردهای حاکم بر عرصه سیاست‌گذاری فرهنگی؛

دوم، تعیین محدوده مسائل فرهنگی؛

سوم، تعیین الگوی شناسایی مسائل فرهنگی؛

چهارم، صورت‌بندی مسائل فرهنگی؛

دلیل این چینش بر این فرض استوار است که رویکرد تعیین‌کننده محدوده مسائل و عامل شکل‌گیری الگوی شناسایی مسائل و صورت‌بندی برآیند این تعاملات است.»

۳-۷. خدایی مهر، محمد مهدی (۱۳۹۲)، **پایان‌نامه، مسأله‌یابی در سیاست‌گذاری سازمان‌های فرهنگی، مورد مطالعاتی: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی**

نویسنده این پژوهش در فصل دوم آن به جایگاه فرهنگ در سیاست‌گذاری، تعاریف‌های فرهنگ و تقسیم‌بندی این تعاریف، تعریف «مسأله» و «مشکل» و بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های مسأله و مشکل، تعریف مسأله‌ی اجتماعی و مسأله فرهنگی و تفاوت‌های این دو، مراحل صورت‌بندی یک مسأله و عوامل درونی و بیرونی مؤثر بر فرآیند مسأله‌یابی می‌پردازد. الگوی عوامل مؤثر بر فرآیند مسأله‌یابی در پژوهش مذکور به صورت زیر پیشنهاد شده است:

عوامل بیرونی: ۱. اسناد بالادستی ۲. اخبار و اطلاعات رسانه‌ها ۳. شرایط و نظام سیاسی کشور ۴. اندیشه‌های رهبری و جایگاه ایشان در حوزه فرهنگ ۵. حوادث و

پدیده‌های اجتماعی ۶. ایام و مناسبت‌های خاص ۷. نهادهای تحقیقاتی و پژوهشی در سطح فرهنگ ۸. مطالعات عمومی.

عوامل درونی: ۱. رصد غیرنظام‌مند ۲. پژوهش‌های کاربردی در سطح سازمانی ۳. اتکاء به اظهار نظر افراد تاثیرگذار ۴. دفترچه سیاست ۵. نقش و جایگاه مدیران. در این پژوهش به صرف ذکر عوامل دخیل در مسأله‌شناسی فرهنگی اکتفا گردیده و به درصد و سهم هر یک از عوامل مذکور، جایگاه و تقدّم و تأخّر آنها و نقشی که در فرایند کلی مسأله‌شناسی به عنوان یک الگو خواهند داشت اشاره‌ای نگردیده است. مسأله‌شناسی فرهنگی را می‌توان به عنوان مهم‌ترین و شاید تنها حلقه‌ی واسط بین نظریه‌ی فرهنگی و خط‌مشی‌گذاری فرهنگی دانست و متأسفانه در کشور ما و پژوهش‌های حاضر به این حلقه‌ی مفقوده چندان توجه شایانی نشده است و در این تحقیق سعی می‌شود روی این حلقه‌ی مفقوده که کمتر به آن پرداخته شده است به‌طور خاص و دقیق تمرکز شود، به‌علاوه کمتر می‌توان پژوهشی را یافت که با بررسی موارد عینی و میدانی سازمان‌ها و ساختارهای فرهنگی کشور، به ارائه‌ی الگو و یا مقایسه‌ی تطبیقی وضعیت سیاست‌گذاری در آنها بپردازد و یکی از وجوه ممیزه‌ی این پژوهش در مقایسه با پژوهش‌های مرور شده در همین بررسی میدانی و واقعی سازمان‌های فرهنگی است که با کارویژه‌ی مطالعه‌ی الگوهای مسأله‌شناسی فرهنگی در این سازمان‌ها به دنبال توصیف بخشی از واقعیت‌های موجود در فرآیند خط‌مشی‌گذاری در سازمان‌های کشور برای پیشنهادات دقیق‌تر در راستای تبیین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه‌ی فرهنگ است.

۸. سؤالات تحقیق

۸-۱. سؤال اصلی

شباهت‌ها و تفاوت‌های میان الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های تهران، اصفهان و مشهد چه می‌باشد؟

۸-۲. سؤالات فرعی

الف) الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران چگونه است؟

ب) الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان چگونه است؟

ج) الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد چگونه است؟

د) چه شباهت‌هایی میان الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های تهران، اصفهان و مشهد وجود دارد؟

و) چه تفاوت‌هایی میان الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های تهران، اصفهان و مشهد وجود دارد؟

۹. روش تحقیق

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع کیفی است، مفهوم روش کیفی طیف گسترده‌ای از روش‌های پژوهشی را در بر می‌گیرد (ویمر و دومینیک، ۱۳۹۱، ص. ۳۹). منظور از تحقیق کیفی عبارت است از هر نوع تحقیقی که یافته‌هایی را به دست می‌دهد که با شیوه‌هایی غیر از روش‌های آماری یا هرگونه کمی کردن کسب شده است (استراوس و کوربین، ۱۳۸۵، ص. ۱۷). بنابراین از همان ابتدا، شروع تحقیق با روش کیفی بوده و بر اساس اطلاعات به دست آمده از آن، فرآیند مسأله‌شناسی فرهنگی در سه سازمان مدنظر از طریق مصاحبه با کارشناسان و مدیران آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۹-۱. استراتژی تحقیق

در این تحقیق از استراتژی مطالعه‌ی موردی چندگانه استفاده شده است. این استراتژی به ما اجازه می‌دهد که با بررسی چند سازمان خاص به عنوان موارد مطالعاتی چندگانه، مفاهیم و ادبیات نظری را بر روی آنها مورد سنجش قرار داده و مزیت‌ها و آسیب‌ها به طور ملموس‌تری نمایش داده شود (سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۳۸۹، ص. ۸۲).

۹-۲. شیوه گردآوری اطلاعات

روش گردآوری اطلاعات در این پژوهش مطالعه‌ی اسنادی و مصاحبه‌ی عمیق است و در این مسیر سعی می‌شود از ادبیات علمی بیان شده در حوزه‌ی نظریه‌ی فرهنگی، اسناد بالادستی، نظرات نخبگان، صاحب‌نظران فرهنگی، خط‌مشی‌گذاران و مدیران سازمانی بهره‌برداری شود. مصاحبه‌های موردنیاز این تحقیق از مدیران، صاحب‌نظران و کارشناسان

فرهنگی هر یک از سه سازمان مورد مطالعه أخذ خواهد گردید. در مصاحبه با صاحب‌نظران، مصاحبه‌کننده داده‌ها را از اشخاصی جمع‌آوری می‌کند که دانش یا دیدگاه ویژه‌ای دارند که از طریق دیگران قابل حصول نیست (گال، بورگ و گال، ۱۳۸۲، ص. ۵۲۵). برخی از مزیت‌های مصاحبه در مقایسه با روش‌های دیگر عبارتند از: عناصر تحلیلی عمیقی که می‌توان گردآوری کرد (کیوی و کامپنهود، ۱۳۸۴، ص. ۲۰۶). قابلیت که مصاحبه به لحاظ نفوذ عمیق و گسترده در واقعیت‌های ذهنی مصاحبه‌شونده دارد (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص. ۲۲۳) و این که با کمک مصاحبه می‌توان به ارزیابی عمیق‌تر ادراک‌ها، بررسی موضوع‌های پیچیده، پیگیری پاسخ‌ها یا پیدا کردن علل آن و اطمینان از درک سؤال از سوی آزمودنی پرداخت (طرقی، ۱۳۸۴، ص. ۷۸).

۳-۹. روش تحلیل اطلاعات

در این پژوهش از روش تحلیل مضمون برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است. تحلیل مضمون روشی برای شناسایی، تحلیل، گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش فرآیندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌های غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (براون و کلارک، ۲۰۰۶، به نقل از مختاریان‌پور، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۳). همچنین تحلیل مضمون روشی است که هم برای بیان واقعیت و هم برای تبیین آن به‌کار می‌رود. البته، به دلیل ماهیت تفسیری تحلیل مضمون، باید به روایی و پایایی آن بیشتر توجه شود؛ این امر، مستلزم به‌کارگیری کدگذاران مستقل است و باعث می‌شود تحلیل مضمون در مقایسه با سایر روش‌های کیفی، دقت و زمان بیشتری طلب کند (عابدی جعفری، تسلیمی، فقیهی و شیخ‌زاده، ۱۳۹۰، صص. ۱۵۹-۱۵۶).

۴-۹. سنجش‌شناسی مصاحبه‌شوندگان

از لحاظ سنخیت، حداکثر تلاش این پژوهش در انتخاب افراد کارشناس، مدیر و متخصص با بیشترین اطلاعات در سطوح کمی و کیفی بوده است و در این زمینه با ۲۵ نفر در سه سازمان مذکور مصاحبه صورت گرفت. در مصاحبه‌های صورت پذیرفته شده، اطلاعات موردنیاز در دو بخش ساختاری و محتوایی به شرح جدول (۱) مورد سؤال قرار گرفت:

جدول (۱): مؤلفه‌های مورد نیاز برای احصاء اطلاعات و پرسش از مصاحبه شونده‌گان

۱- موارد محتوایی		۲- موارد ساختاری	
۱	تعریف از «فرهنگ» و «مسئله»	۱	روش گردآوری اطلاعات مورد نیاز
۲	تعریف دقیق از «مسئله فرهنگی»	۲	شیوه‌ی تحلیل اطلاعات
۳	چگونگی احصاء مسائل فرهنگی و مسئله‌یابی فرهنگی	۳	شیوه تصمیم‌گیری
۴	تفاوت مسائل فرهنگی با سایر مسائل	۴	سبک و متدولوژی خط‌مشی‌گذاری
۵	چگونگی پاسخ به مسائل فرهنگی	۵	چیستی محتوای اسناد جهت‌دهنده
۶	چگونگی تبدیل پاسخ‌ها به راهبرد، خط‌مشی و برنامه	۶	بررسی مؤلفه‌های کمی مدیریتی سازمان (تعداد کارمندان، سطح تحصیلات، بررسی سوابق، رزومه فعالیت‌ها از سال ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۸ و...)
	چگونگی ارزیابی پاسخ‌ها و سنجش میزان توفیق پاسخ‌ها	۷	

منبع: حاصل جمع‌بندی مؤلفه‌های مورد نیاز برای انجام تحقیق پس از انجام مطالعات اسنادی توسط پژوهشگر

۵-۹. اعتبار سنجی

در این پژوهش توقف مصاحبه‌ها براساس روش اشباع نظری صورت پذیرفته است. بدین معنا که هرگاه مشاهده شد مضامین ایجاد شده حاصل از مصاحبه‌ها به دور تکرار افتاده است و مضامین جدیدی ارائه نمی‌گردد ادامه انجام مصاحبه متوقف گردید. همچنین چون این تحقیق در پارادایم کیفی شکل گرفته است مصاحبه‌ها نیز بصورت کیفی و از جامعه خبرگانی انجام شده و نتایج هر مصاحبه در مصاحبه بعدی لحاظ شده است و بنابراین، خود مصاحبه‌ها در اعتبارسنجی تحقیق موثر می‌باشند. پس از تکمیل تحقیق نیز نتایج نهایی به اطلاع مصاحبه شونده‌گان و همچنین چند تن از خبرگان این حوزه رسید تا نسبت به اعتبار نهایی آن اظهار نظر کرده و تاییدات نهایی و اصلاحات احتمالی از آنان اخذ و اعمال شد.

۶-۹. قلمرو زمانی و مکانی تحقیق

قلمرو زمانی این تحقیق بررسی الگوی مسئله‌شناسی سازمان‌های سه‌گانه‌ی مدنظر در سیزده سال گذشته، یعنی در قلمرو زمانی سال‌های ۱۳۸۵ هجری شمسی، یعنی از حدود سالی که رویکردهای علمی به تدریج در سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌ها آغاز شد تا ۱۳۹۸ هجری شمسی می‌باشد و قلمرو مکانی تحقیق نیز شامل سه کلان‌شهر اصفهان،

تهران و مشهد و بررسی سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های این شهرها در قلمرو آنها می‌باشد.

۹-۷. نمونه‌گیری

در این پژوهش برای یافتن مصاحبه‌شوندگان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی^۴ استفاده گردید. در این روش محقق ابتدا فردی یا افرادی را شناسایی کرده و پس از دریافت اطلاعات از آنها می‌خواهد که فرد یا افراد دیگری را برای ادامه مصاحبه‌ها معرفی کنند (Babbie, 2002, p. 34).

۹-۸. تجزیه و تحلیل داده‌ها

ابتدا مصاحبه‌ها بصورت تک به تک پیاده‌سازی و کدگذاری شد. هر مصاحبه راهنمای مفهومی جدیدی برای مصاحبه بعدی بود تا هم مطالب گردآوری شده از غنای لازم برخوردار باشد و هم اعتبارسنجی تحقیق نیز انجام شود. همان‌طور که گفته شد، برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون که دارای سه مرحله زیر می‌باشد استفاده شده است:

۱. کدگذاری توصیفی؛
۲. کدگذاری تفسیری؛
۳. یکپارچه‌سازی.

هر یک از مصاحبه‌ها پیرامون هر سازمان پس از انجام، پیاده‌سازی و کدگذاری شد تا نتایج حاصل از آن در روند مصاحبه بعدی مورد استفاده قرار گیرد. برای سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان در مرحله‌ی کدگذاری اولیه از مجموع ۷۶ گزاره ماخوذ از مصاحبه‌ها، ۹۳ کد اولیه استخراج شد، چرا که از برخی گزاره‌ها بیش از یک کد قابل استخراج بود و سپس در مرحله استخراج مضامین اولیه ۹۳ کد اولیه در ۱۵ مضمون اولیه طبقه‌بندی شد. پس از آن در مرحله‌ی کدگذاری تفسیری با اتخاذ رویکردی استقرایی، ۱۵ مضمون اولیه با تلفیق و تجمیع به ۶ مضمون پایه تقلیل یافت و نهایتاً در مرحله‌ی یکپارچه‌سازی تلاش شد که ضمن قراردادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان تبیین و ترسیم شود.

برای سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری مشهد در مرحله کدگذاری اولیه از مجموع ۸۹ گزاره ماخوذ از مصاحبه‌ها، ۱۰۴ کد اولیه استخراج شد و سپس در مرحله استخراج مضامین اولیه ۱۰۴ کد اولیه در ۱۳ مضمون اولیه طبقه‌بندی شد. پس از آن در مرحله کدگذاری تفسیری با اتخاذ رویکردی استقرایی، ۱۳ مضمون اولیه با تلفیق و تجمیع به ۵ مضمون پایه تقلیل یافت و نهایتاً در مرحله یکپارچه‌سازی تلاش شد که ضمن قرارداد دادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی، تفریحی شهرداری مشهد تبیین و ترسیم شود.

برای سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران در مرحله کدگذاری اولیه از مجموع ۳۹ گزاره ماخوذ از مصاحبه‌ها، ۴۳ کد اولیه استخراج شد و سپس در مرحله استخراج مضامین اولیه ۴۳ کد اولیه در ۱۲ مضمون اولیه طبقه‌بندی شد. پس از آن در مرحله کدگذاری تفسیری با اتخاذ رویکردی استقرایی، ۱۲ مضمون اولیه با تلفیق و تجمیع به ۵ مضمون پایه تقلیل یافت و نهایتاً در مرحله یکپارچه‌سازی تلاش شد که ضمن قرارداد دادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی، هنری شهرداری تهران تبیین و ترسیم شود.

به جهت حجم بسیار بالای جداول تحلیل مضمون این پژوهش، در زیر به عنوان نمونه، نحوه استخراج کدهای اولیه از گزاره‌های ماخوذ از یک مصاحبه‌شونده برای استخراج مضامین اولیه و نیز طی نمودن مراحل تحلیل مضمون و استخراج شبکه مضامین سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد آورده می‌شود و سپس به تبیین الگوی استخراج شده از سه سازمان مذکور می‌پردازیم:

۱۰. تحلیل داده‌های سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد

۱۰-۱. کدگذاری توصیفی

در این نوع کدگذاری، در گام ابتدایی به هر گزاره‌ی مرتبط، یک کد اولیه که گویا، مفسر و تلخیص شده آن باشد اختصاص داده می‌شود و در گام دوم با تجمیع و تفکیک کدهای اولیه، آنها را در ذیل مضامین اولیه طبقه‌بندی می‌کنیم.
کدگذاری اولیه:

در این مرحله از مجموع ۸۹ گزاره ماخوذ از سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، ۱۰۴ کد اولیه استخراج شده است.

جدول (۲): کدگذاری اولیه تحلیل مضمون

کد مفهوم	گزاره	کد اولیه
مصاحبه نهم: مصاحبه شونده ۱ مشهد		
۱	در مسأله معمولاً نیاز، دین و یا منافع مطرح است.	نقش نیاز، دین و منافع در فهم مسأله‌ها
۲	مخاطب دین مردم هستند، پس مسأله در بین مردم شکل می‌گیرد.	اهمیت نقش مردم و خواست آنها در فهم مسائل فرهنگی
۳	فلسفه ارسال رسل «از مردم»، «با مردم» و «برای مردم» بودن است و مسئول حکومت نیز باید همین گونه باشد. تمام جهت‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌های حوزه فرهنگ باید توسط مردم انجام شود.	تمرکز بر خواست مردم در سیاست-گذاری فرهنگی
۴	مسئول دین و سازمان فرهنگی و... باید درصدد شناخت سازوکارهایی برای کار و با مردم باشد و مهم‌ترین مشکلی که ما در سازمان‌های متولی دین و فرهنگ داریم این است که از مردم فاصله گرفته‌ایم.	لزوم اجتناب از غفلت از ظرفیت‌های مردم برای شناخت و پرداخت به مسائل فرهنگی
۵	فرهنگ معنای مشترک میان مردم است. پس مسئول فرهنگی باید معانی مردمی را فهم کند و اگر نتواند به معنا متصل شود، چون عدم سنخیت معنایی خواهد داشت، طبیعتاً از اثرگذاری کمتری برخوردار خواهد بود.	تعریف خاص از فرهنگ (فرهنگ معانی مشترک بین انسان‌هاست)
۶	معناهای بین مردم در حال جایجایی و شناور هستند و دائماً در حال تغییراند (نظریه گفتمان- دال‌های شناور و مفصل‌بندی‌های در حال تغییر).	تغییرات معنایی بین انسان‌ها باعث شکل‌گیری مسائل جدید خواهد شد.
۷	مسأله فرهنگی در همین اختلاف معنایی شکل می‌گیرد و مسئول فرهنگی اگر با مردم در ارتباط نباشد نمی‌تواند به آن مسأله واقعی دست پیدا کند.	شکل‌گیری مسائل در اثر تغییرات و یا اختلافات معنایی بین مردم
۸	مسأله در دیالکتیک و رفت و برگشت بین معنایی متجلی در بین مردم و آرمان‌های ثابت، در حرکت است.	مسأله حفاصل بین معانی مردمی و آرمان‌هاست

کد مفهومی	گزاره	کد اولیه
۹	عملیات‌ها مسائل جدید به آدم‌ها می‌دهد.	شکل‌گیری مسائل جدید در عرصه‌ی عمل و تجربه
۱۰	مسأله‌شناسی فرهنگی در سه ضلع معنا می‌شود: ۱. معانی مردم. ۲. آرمان‌ها. ۳. عملیات‌ها و اقدام‌ها.	معانی مردمی عامل شکل‌گیری مسأله
۱۱		آرمان‌ها عامل شکل‌گیری مسأله‌ها
۱۲		تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌ها، عامل شکل‌گیری مسائل

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰-۲. استخراج مضامین اولیه

در این مرحله ۱۰۴ کد اولیه در ۱۳ مضمون اولیه طبقه‌بندی شده است.

جدول (۳): استخراج مضامین اولیه تحلیل مضمون

ردیف	کدهای اولیه	مضامین اولیه	فراوانی
۱	۲-۳-۴-۱۰-۱۴-۱۵-۱۷-۲۶-۲۷-۴۵-۵۵-۶۵-۷۳-۹۷-۹۶-۹۱-۸۲-۷۵-	محوریت خواست، نیاز، سلايق و معانی مشترک تاریخی بین مردم در مسأله-شناسی فرهنگی	۱۸
۲	۵-۶-۷-۸-۳۰-۳۷-۷۹-۸۱-۹۱-۹۹-۱۰۰-۷۷-۸۵-۱۱-۸۸-	فرهنگ به معنای معانی مشترک بین انسان‌ها و طرح مسأله‌ی فرهنگی به عنوان حدفاصل معانی و آرمان‌ها (تجربیات تاریخی مشترک)	۱۵
۳	۱۳-۲۱-۳۱-۳۴-۳۶-۴۲-۴۳-۴۶-۴۷-۶۶-۶۷-۷۰-۷۴-۷۸-۹۳-	مسأله‌شناسی ابن‌الوقتی و اقتضائی مطابق سلايق مدیران	۱۵
۴	۱۸-۲۰-۲۹-۳۲-۳۳-۴۴-۵۲-	رجوع به مدل‌های علمی و فرآورده‌های پژوهشی و بهره‌مندی از داده‌های تحصیل شده کمی یا کیفی	۷
۵	۱۹-۲۵-۳۵-۴۰-۵۳-۶۹-۹۵-	استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان حوزوی، دانشگاهی و اجرایی	۷
۶	۳۹-۴۱-۵۴-۵۷-۶۰-۶۱-۶۲-۶۳-۸۹-۹۲-۹۴-۱۰۳-	ابلاغ و نظارت بر مسائل از جایگاه فرادستی	۱۲

ردیف	کدهای اولیه	مضامین اولیه	فراوانی
۷	۱- ۲۴- ۲۸- ۷۲- ۷۶- ۸۰- ۸۳- ۸۴- ۸۶	الگوی تزاخمی (اهم و مهم کردن) در پرداختن به مسائل فرهنگی به دلیل کندی سازمانی و سختی دستیابی به الگوی ثابت	۹
۸	۵۱- ۸۷	رجوع به دغدغه‌های رهبری انقلاب، به عنوان منطق اصلی ظاهری حاکم بر مسأله‌شناسی سازمان	۲
۹	۱۶- ۶۴- ۱۰۱- ۱۰۴	مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به پیوست اجتماعی	۴
۱۰	۲۲- ۵۸	پرداخت به مسائل بر مبنای موضوعات محدد و مشخص ادواری (۵ موضوع)	۲
۱۱	۲۳- ۳۸- ۵۶- ۹۰- ۵۹- ۶۸- ۷۱- ۱۰۲	مسأله‌شناسی تلفیقی (نهاد بالادست/ نهاد میان دست/ نهاد پایین دست)	۸
۱۲	۹- ۱۲	تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌ها، عامل شکل‌گیری مسائل	۲
۱۳	۴۸- ۴۹- ۵۰	ثابت بودن الگوهای مسأله‌شناسی	۳

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰-۳. کدگذاری تفسیری

در این بخش با اتخاذ رویکردی استقرایی، ۱۳ مضمون اولیه با تلفیق و تجمیع به ۵ مضمون پایه تقلیل یافته است.

جدول (۴): کدگذاری تفسیری تحلیل مضمون

ردیف	مضامین اولیه	مضامین پایه
۱	<ul style="list-style-type: none"> • محوریت خواست، نیاز، سلايق و معانی مشترک تاریخی بین مردم در مسأله‌شناسی فرهنگی • مسأله‌شناسی ابن‌الوقتی و اقتضائی مطابق سلايق مدیران • رجوع به مدل‌های علمی و فرآورده‌های پژوهشی و بهره‌مندی از داده‌های تحصیل شده کمی یا کیفی • استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان حوزوی، دانشگاهی و اجرایی • ابلاغ و نظارت بر مسائل از جایگاه فرادستی • رجوع به دغدغه‌های رهبری انقلاب، به عنوان منطقی اصلی ظاهری حاکم بر مسأله‌شناسی سازمان 	<p>مسأله‌شناسی فرهنگی شش وجهی مردم محور</p>
۲	<ul style="list-style-type: none"> • الگوی تزاحمی (اهم و مهم کردن) در پرداختن به مسائل فرهنگی به دلیل کندی سازمانی و سختی دستیابی به الگوی ثابت • پرداختن به مسائل بر مبنای موضوعات محدود و مشخص ادواری (۵ موضوع) 	<p>الگوی مسأله‌شناسی تزاحمی با «موضوع مشخص»</p>
۳	<ul style="list-style-type: none"> • مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به پیوست اجتماعی • تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌ها، عامل شکل‌گیری مسائل 	<p>مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در میدان عمل</p>
۴	<ul style="list-style-type: none"> • فرهنگ به معنای معانی مشترک بین انسان‌ها و طرح مسأله فرهنگی به عنوان حدفواصل معانی و آرمان‌ها (تجربیات تاریخی مشترک) • ثابت بودن الگوهای مسأله‌شناسی 	<p>نگاه به فرهنگ و مسأله‌ی فرهنگی برخاسته از اخلال در معانی و تجربیات مشترک تاریخی مردمی</p>
۵	<ul style="list-style-type: none"> • مسأله‌شناسی تلفیقی (نهاد بالادست/ نهاد میان دست)/ نهاد پایین دست 	<p>نگاه تلفیقی در کشف مسائل فرهنگی</p>

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰-۴. یکپارچه‌سازی

در این مرحله تلاش بر این است که ضمن قراردادادن مضامین پایه در ذیل مضامین محوری، الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد تبیین و ترسیم شود.

جدول (۵): یکپارچه‌سازی تحلیل مضمون

مضامین پایه	مضامین محوری
<ul style="list-style-type: none"> • مسأله‌شناسی فرهنگی شش وجهی مردم محور • نگاه تلفیقی در کشف مسائل فرهنگی 	سیاست مردم محوری و تلفیقی
<ul style="list-style-type: none"> • مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در میدان عمل • الگوی مسأله‌شناسی تراحمی با «موضوع مشخص» 	الگوی پیوست اجتماعی چندموضوعی
<ul style="list-style-type: none"> • نگاه به فرهنگ و مسأله‌ی فرهنگی برخاسته از اخلال در معانی و تجربیات مشترک تاریخی مردمی 	اولویت‌های فرهنگ مردمی - انقلابی

منبع: یافته‌های تحقیق

۱۰-۵. الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد

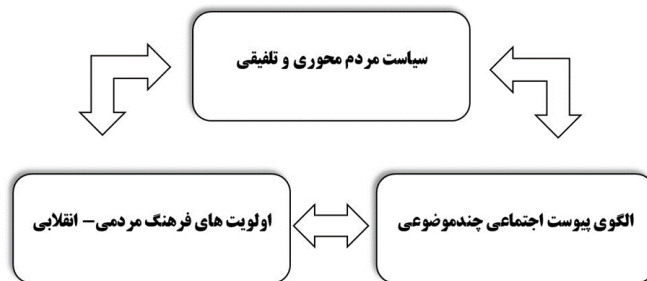
تعیین مسائل فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد مطابق تحلیل‌های صورت گرفته از عناصر و ویژگی‌های مشخصی پیروی می‌کند و این عناصر در یک جمع‌بندی مضمونی شامل موارد زیر می‌شود:

۱. محوریت خواست، نیاز، سلیق و معانی مشترک تاریخی بین مردم در مسأله‌شناسی فرهنگی
۲. فرهنگ به معنای معانی مشترک بین انسان‌ها و طرح مسأله‌ی فرهنگی به عنوان حدفاصل معانی و آرمان‌ها (تجربیات تاریخی مشترک)
۳. مسأله‌شناسی ابن‌الوقتی و اقتضائی مطابق سلیق مدیران
۴. رجوع به مدل‌های علمی و فرآورده‌های پژوهشی و بهره‌مندی از داده‌های تحصیل شده کمی یا کیفی
۵. استفاده از دیدگاه‌های کارشناسان حوزوی، دانشگاهی و اجرایی
۶. ابلاغ و نظارت بر مسائل از جایگاه فرادستی
۷. الگوی تراحمی (اهمّ و مهم کردن) در پرداختن به مسائل فرهنگی به دلیل کندی سازمانی و سختی دستیابی به الگوی ثابت

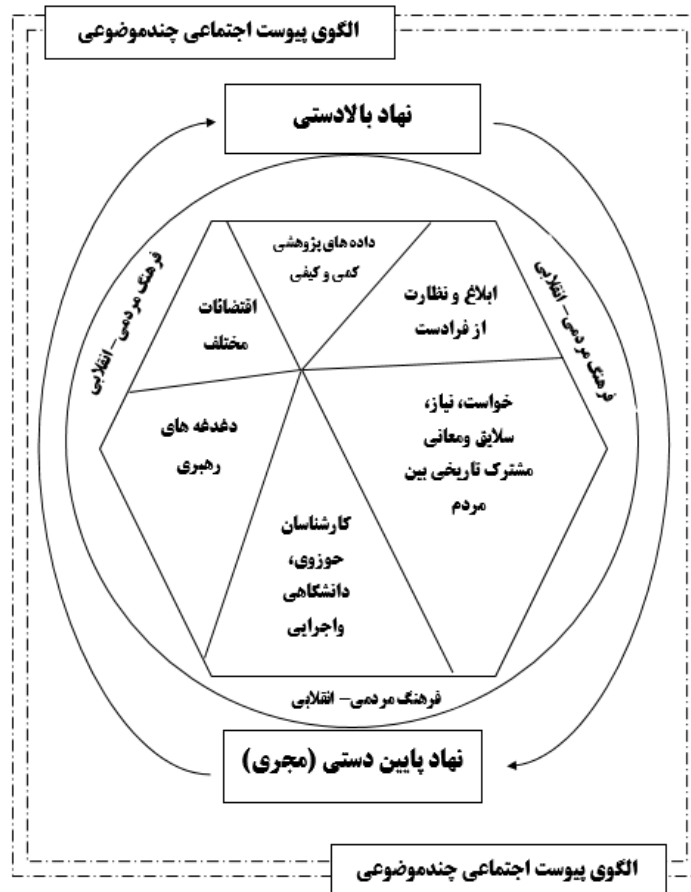
۸. رجوع به دغدغه‌های رهبری انقلاب، به عنوان منطق اصلی ظاهری حاکم بر مسأله-شناسی سازمان
۹. مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به پیوست اجتماعی
۱۰. پرداخت به مسائل بر مبنای موضوعات محدود و مشخص ادواری (۵ موضوع)
۱۱. مسأله‌شناسی تلفیقی (نهاد بالادست / نهاد میان دست / نهاد پایین دست)
۱۲. تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌ها، عامل شکل‌گیری مسائل
۱۳. ثابت بودن الگوهای مسأله‌شناسی

به‌طور کلی الگوی تراحمی (اهم و مهم کردن) در پرداختن به مسائل فرهنگی به دلیل کندی سازمانی و سختی دستیابی به الگوی ثابت یکی از نگاه‌های حاکم در این سازمان در امر مسأله‌شناسی فرهنگی است. پرداخت به مسائل بر مبنای موضوعات محدود و مشخص ادواری (۵ موضوع) نیز رویکرد فعلی سازمان برای جلوگیری از تنوع‌کاری‌ها، عدم تمرکزها و موازی کاری‌هاست. از دیگر نکات حائز اهمیت در این سازمان وجود گفتمانی به نام پیوست فرهنگی برنامه‌ها و عملیات‌ها و مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به پیوست اجتماعی است. در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد تجربه ثابت کرده است که تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌های گذشته، عامل مهمی در شکل‌گیری مسائل جدید است. در این سازمان استنباط از فرهنگ به معنای معانی مشترک بین انسان‌ها و طرح مسأله‌ی فرهنگی به عنوان حفاصل معانی و آرمان‌ها (تجربیات تاریخی مشترک) تلقی می‌شود و بسیاری از مدیران و کارشناسان آن معتقد به ثابت بودن الگوهای مسأله-شناسی در کلیات مسائل و متغیر بودن لایه‌های نسبی و زیرین آن در شرایط زمانی، مکانی و انسانی مختلف است. در این سازمان نیز مسأله‌شناسی تلفیقی (نهاد بالادست / نهاد میان دست / نهاد پایین دست) مبنای کار سیاست‌گذارانه است با این ملاحظه که تبادلات پایین دست و میان دست و بالادست به تعادل رسیده و با نوعی تساوی ارتباطی در بین این سه لایه‌ی سازمانی مواجه هستیم.

- سرانجام با تحلیل این ابعاد ما با ۵ مضمون پایه در تحلیل این سازمان، شامل:
۱. مسأله‌شناسی فرهنگی شش وجهی مردم محور؛
 ۲. الگوی مسأله‌شناسی تزاومی با «موضوع مشخص»؛
 ۳. مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه در میدان عمل؛
 ۴. نگاه به فرهنگ و مسأله‌ی فرهنگی برخاسته از اخلاق در معانی و تجربیات مشترک تاریخی مردمی؛
 ۵. نگاه تلفیقی در کشف مسائل فرهنگی؛
- مواجه هستیم که تفسیر و تدقیق این مضامین به سه محور اصلی ختم می‌شود، که این سه مضمون محوری عبارتند از:
۱. سیاست مردم محوری و تلفیقی؛
 ۲. الگوی پیوست اجتماعی چندموضوعی؛
 ۳. اولویت‌های فرهنگ مردمی - انقلابی.



شکل ۱: شبکه‌ی مضمونی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد
منبع: یافته‌های تحقیق



شکل (۲): الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد
منبع: یافته‌های تحقیق

- ۱.۱ الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان تعیین مسائل فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان مطابق تحلیل‌های صورت گرفته از عناصر و ویژگی‌های مشخصی پیروی می‌کند و این عناصر در یک جمع‌بندی مضمونی شامل موارد زیر می‌شود:
 ۱. رجوع به نخبگان علمی، عملی، دینی و انقلابی
 ۲. مسأله‌شناسی منتج به موضوعات چندگانه و کلی

۳. تعیین و طرح مسائل بر مبنای سلايق و انگیزه‌های شخصی مدیران و جناح سیاسی آنها

۴. اولویت‌دهی به نظرات رهبری انقلاب اسلامی در طرح و شناخت مسائل

۵. رجوع به خواست و سلايق مردم و مبنا قرار دادن نظرات و نیازهای مردم برای طرح مسائل بعدی

۶. مسأله‌شناسی از طریق پیمایش‌های کمی و علمی و بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی

۷. تعريف موسع و شمولیت عام برای فرهنگ و اولویت دادن به مسائل فرهنگ عمومی

۸. حاکمیت نگاه فرهنگ شهروندی در پراختن به مسائل فرهنگی

۹. نداشتن الگوی مسأله‌شناسی و ضعف در فهم درست مسائل

۱۰. ابلاغ مسائل از نهادها و مدیران بالادستی و فهم و تفسیر مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به صورت اقتضائی

۱۱. حاکمیت نگاه بعدنگری نسبت به مسائل فرهنگی

۱۲. تلاش برای استفاده از الگوی مفهومی و عقلانی برای مسأله‌شناسی فرهنگی

۱۳. تلفیق دو سازوکار «بالا به پایین» و «پایین به بالا» در مسأله‌شناسی

۱۴. نگاه خنثی به مسائل فرهنگی

۱۵. اصالت و اولویت خدمت فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی

به‌طور کلی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان ابلاغ مسائل از نهادها و مدیران بالادستی صورت می‌گیرد و فهم و تفسیر مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به صورت اقتضائی انجام می‌پذیرد. در این سازمان تلفیق دو سازوکار «بالا به پایین» و «پایین به بالا» در مسأله‌شناسی فرهنگی را شاهد هستیم و نتیجه‌ی این تبادلات مسائل و موضوعات به مسأله‌شناسی منتج به موضوعات چندگانه و کلی (که نهایتاً در پنج یا شش عنوان مطرح می‌شود) ختم گردیده است. به‌علاوه در این سازمان ما با حاکمیت نگاه بعدنگری نسبت به مسائل فرهنگی مواجهیم و اولویت‌دهی به مسائل فرهنگی در برابر سایر مسائل سیاسی، اقتصادی و... نقطه‌ی اتفاق نظر بسیاری از مدیران این سازمان

می‌باشد. در حالت کلی این سازمان الگوی مسأله‌شناسی خاص که به صورت سند و یا چشم‌انداز مسأله‌شناسانه‌ای مطرح باشد ندارد و به اذعان مدیران این سازمان ضعف در فهم درست مسائل از نقاط تهدید این سازمان است. هرچند با تلاش صورت گرفته در معاونت فرهنگی اجتماعی شهرداری اصفهان در ادوار گذشته، سعی بر این بوده است یک الگوی مفهومی و عقلانی برای مسأله‌شناسی فرهنگی تحت عنوان «الگوی مفهومی مدیریت فرهنگی» بر سازمان فرهنگی تفریحی حاکم باشد. در این سازمان تعریف مشترکی برای فرهنگ و مسائل فرهنگی وجود ندارد و ما با یک تعریف موسع و شمولیت عام برای فرهنگ و اولویت دادن به مسائل فرهنگ عمومی، سیطره‌ی نگاه فرهنگ شهروندی در پراختن به مسائل فرهنگی و اصالت و اولویت دادن به خدمت فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی و سرانجام نگاه خنثی به مسائل فرهنگی مواجه هستیم.

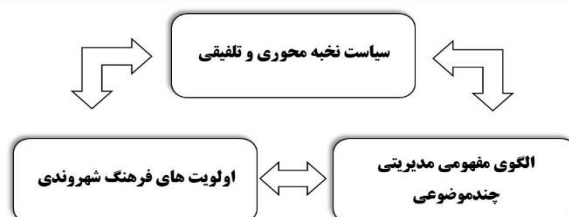
سرانجام با تحلیل این ابعاد ما با ۶ مضمون پایه در تحلیل این سازمان، شامل:

۱. مسأله‌شناسی فرهنگی پنج وجهی نخبه‌محور ۲. مسأله‌شناسی فرهنگی تلفیقی ۳.
۴. طراحی نظام مسائل محدود برای
۵. تلاش برای الگوسازی سیاست‌گذارانه برای مسأله‌شناسی و ۶. بین‌الذهانیت نسبتاً بالا از تعاریف موسع فرهنگ و مسائل فرهنگی، مواجه هستیم که تفسیر و تدقیق این مضامین به سه محور اصلی ختم می‌شود، که این سه مضمون محوری عبارتند از:

۱. سیاست نخبه‌محوری و تلفیقی

۲. اولویت‌های فرهنگ شهروندی

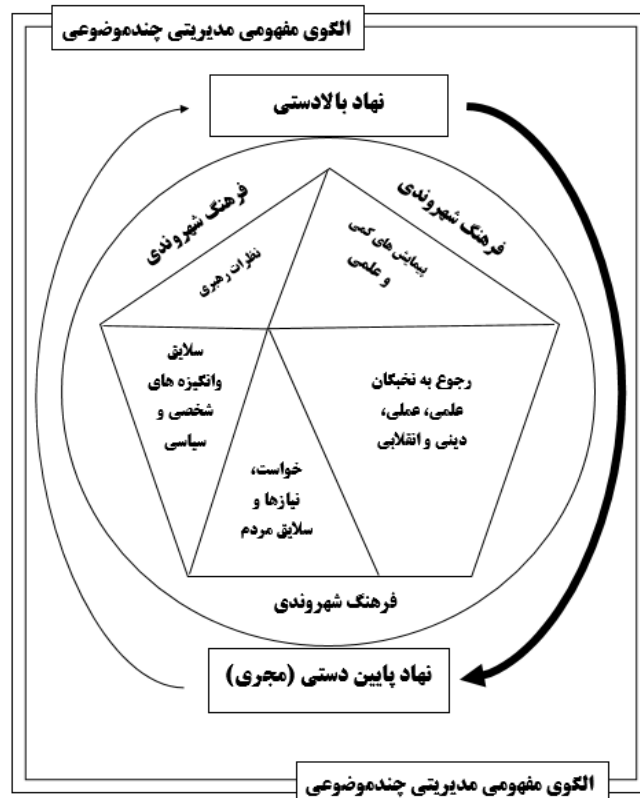
۳. الگوی مفهومی مدیریتی چندموضوعی



شکل (۳): شبکه مضمونی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی

شهرداری اصفهان

منبع: یافته‌های تحقیق



شکل (۴): الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان
منبع: یافته‌های تحقیق

۱۲. الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران

تعیین مسائل فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران مطابق تحلیل‌های صورت گرفته از عناصر و ویژگی‌های مشخصی پیروی می‌کند و این عناصر در یک جمع‌بندی مضمونی شامل موارد زیر می‌شود:

۱. نقش سلايق هیئت امناء و مدیران سازمان در تعریف و تشخیص مسائل
۲. ابلاغ اهداف و مسائل از نهاد بالاتر و نقش اسناد بالادستی
۳. نقش نگاه مردم از طریق اثرسنجی فعالیت‌ها و مسائل پرداخته شده
۴. تلاش برای دستیابی به رویکرد مسأله محوری

۵. رجوع به نظرات خبرگان دینی و علمی
۶. در نظر گرفتن نقش بیانات رهبری انقلاب و ملاحظات بیت رهبری
۷. فرهنگ به معنای اتحاد و وفاق داشته‌های مشترک معنایی و ارزشی با اولویت دادن به مسائل با صبغه‌ی دینی و معارضه با الگوهای غالبی جامعه‌ی مدرن
۸. انجام مسأله‌شناسی ثانوی در ستاد اجرایی برنامه‌ها
۹. نقش نتایج اثرسنجی و بازخورگیری برای تعیین مسائل جدی‌تر و مبنایی‌تر
۱۰. مسأله‌شناسی مدیران مطابق طبع ذینفعان جناحی و سیاسی
۱۱. مسأله‌شناسی جامع‌نگر، «همه موضوعی» و پویا
۱۲. دیدگاه آسیبی و بحرانی نسبت به مسائل

سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران همواره در تلاش برای دستیابی به رویکردی مسأله‌محور بوده است و از این رو انجام مسأله‌شناسی ثانوی در ستاد اجرایی برنامه‌ها یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سازمان است که به نوعی هر پایگاه عملیاتی و اجرایی این سازمان را در کنار انجام برنامه‌ها و عملیات‌های فرهنگی و اجتماعی، به بنگاهی برای مسأله‌شناسی مبدل ساخته است. فهم عمومی از فرهنگ در این سازمان به معنای اتحاد و وفاق داشته‌های مشترک معنایی و ارزشی با اولویت دادن به مسائل با صبغه‌ی دینی و معارضه با الگوهای غالبی جامعه‌ی مدرن است و با توجه به گستردگی شهر تهران و تنوعات بی‌شماری که در این شهر از لحاظ فرهنگی، اعتقادی، سبک زندگی و... وجود دارد، مسأله‌شناسی جامع‌نگر، «همه موضوعی» و پویا فضای اصلی حاکم بر نظام مسائل این مجموعه‌ی فرهنگی شده است، به گونه‌ای که به اذعان مدیران این سازمان، دست آنها برای هزینه‌کرد و مصرف ظرفیت‌های سازمان در هر موضوع و مسأله‌ی دلخواهی باز است، چراکه به راحتی و با تفسیر و توجیه مناسب می‌توان آن مسأله و موضوع انتخاب شده را در ذیل یکی از اهداف ۱۸ گانه‌ی ابلاغی توسط نهاد بالادستی قرار داد و نفس ابلاغ موضوعات متعدد از سوی نهاد بالادستی به زبان بی‌زبانی گویای این پیام برای پایین دست است که شما در انتخاب اولویت‌های مسائل می‌توانید مطابق شناسایی و تشخیص خود عمل نمایید. نکته‌ی دیگر در جغرافیای مسأله‌شناسی فرهنگی این سازمان آن است که اصولاً و بر طبق شواهد حاصله نقش نتایج اثرسنجی و بازخورگیری برای تعیین

مسائل جدی‌تر و مبنایی‌تر در این سازمان جدی است و مرکز مطالعات فرهنگی سازمان این وظیفه را به جد پیگیری می‌کند و در دوره‌های مختلف طرح‌ها و برنامه‌های متعددی برای آن داشته است.

سرانجام با تحلیل این ابعاد ما با ۵ مضمون پایه در تحلیل این سازمان، شامل:

۱. مسأله‌شناسی فرهنگی شش وجهی بالادست محور؛
۲. مسأله‌شناسی ثانوی در سطوح اجرایی ثانویه در پازل جریان فکری حاکم؛
۳. فرهنگ و مسأله فرهنگی به معنای اتحاد معنایی و ارزشی با اولویت مقابله با ضد

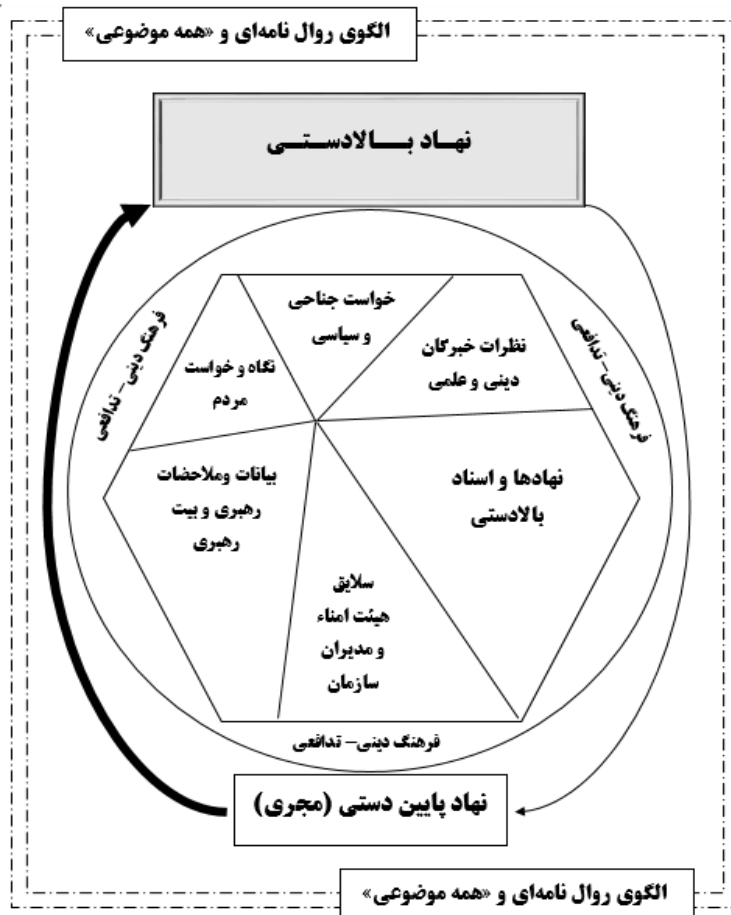
دین؛

۴. مسأله‌شناسی جامع‌نگر و موسّع و ۵. نگرش آسیب شناسانه به مسائل، مواجه هستیم که تفسیر و تدقیق این مضامین به سه محور اصلی ختم می‌شود، که این سه مضمون محوری عبارتند از:

۱. سیاست بالادست محوری و تلفیقی
۲. اولویت‌های فرهنگ دینی - تدافعی
۳. الگوی روال نامه‌ای و «همه موضوعی»



شکل (۵): شبکه‌ی مضمونی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
منبع: یافته‌های تحقیق



شکل (۶): الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
منبع: یافته‌های تحقیق

۱۳. عدم‌دلستگی به تولیدات خارجی و توجه به تولید ملی

در این قسمت به دنبال تبیین مفهوم و چارچوب استفاده از کالای داخلی نیستیم؛ بلکه در پی تبیین اصل نگرشی‌ای هستیم که خرید تولید داخلی یا خارجی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. «مصرف کالای داخلی خطاب به همه مردم کشور است. یکی از آفات موجود اجتماعی ما که ریشه آن، میراث دوران طاغوت و دوران ظلمانی گذشته است، همین است که افراد، دلبسته به تولیدات بیگانه باشند» (۱۳۹۰/۰۲/۰۷). این اصل نگرشی مالی

شخصی، ریشه در یک اصل عمومی‌تر دارد و آن اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» است؛ کشور می‌تواند پیش برود. کسی که معتقد به «ما می‌توانیم» - که بارها در سخنان معظم‌له تکرار شده است^۵- باشد، به کالای خارجی دلبستگی نخواهد شد و با علاقه، با خرید خود و دیگر انحاء از تولید داخلی حمایت می‌کند. «بنده برای تولید داخلی حقّ زیادی را قائلم. تولید داخلی بایستی به‌عنوان یک چیز مقدس شمرده بشود. حمایت از تولید داخلی باید یک وظیفه شناخته بشود؛ همه خودشان را موظف بدانند از تولید داخلی

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکردی کاربردی و با نگاه به وضعیت موجود، به بررسی الگوهای مسأله‌شناسی فرهنگی در سه سازمان فرهنگی شهری پرداخته است. بدین‌منظور، با گردآوری اسناد و مدارک مرتبط در هر یک از این سازمان‌ها و همچنین مصاحبه با مدیران و متخصصان آنها، محتوای لازم برای تحلیل مضمون جمع‌آوری شد.

با تحلیلی که بر روی داده‌ها صورت پذیرفت مشخص شد هر یک از این سازمان‌ها الگویی مختص به خود در مسأله‌شناسی دارند. در سازمان فرهنگی، اجتماعی، ورزشی شهرداری اصفهان، سیاست‌ها بر محور نخبه‌گرایی است و الگوی مفهومی آن، مدیریت چندموضوعی می‌باشد. اولویت‌ها براساس فرهنگ شهروندی تعیین می‌گردد. در سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد، سیاست‌ها مردم‌محور و الگو، پیوست اجتماعی است و اولویت‌های آنها بر فرهنگ مردمی - انقلابی متمرکز است. در سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران، سیاست‌ها منطبق بر سیاست‌های بالادستی تنظیم می‌شود، الگوی آن روال‌نامه‌ای و همه موضوعی است و اولویت‌ها نیز بر فرهنگ دینی و تدافعی استوار شده است. شباهت‌ها و تفاوت‌های دیگری نیز درخصوص الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی این سه سازمان احصاء شده است که در جدولی زیر بصورت تفصیلی ارائه گردیده است:

جدول (۲): مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی در سه سازمان مورد مطالعه

ردیف	وجه مقایسه	سازمان فرهنگی تفریحی اصفهان	سازمان فرهنگی تفریحی مشهد	سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
۱	رجوع به نخبگان علمی، عملی، دینی و انقلابی	✓	✓	✓
۲	سیاست نخبه محوری	✓	----	----
۳	سیاست مردم محوری	----	✓	----
۴	سیاست بالادست محوری	----	----	✓
۵	مسأله‌شناسی منتج به موضوعات چندگانه‌ی محدود و کلی	✓	✓	----
۶	مسأله‌شناسی منتج به موضوعات نامحدود و جامع	----	----	✓
۷	تعیین و طرح مسائل بر مبنای سلايق و انگیزه‌های شخصی مدیران و جناح سیاسی آنها و مسأله-شناسی ابن‌الوقتی و اقتضائی مطابق سلايق مدیران	✓	✓	✓
۸	اولویت‌دهی به نظرات رهبری انقلاب اسلامی در طرح و شناخت مسائل	✓	✓	✓
۹	رجوع به خواست و سلايق مردم و مینا قراردادن نظرات و نیازهای مردم برای طرح مسائل بعدی	✓	✓	✓
۱۰	مسأله‌شناسی از طریق پیمایش‌های کمی و علمی و بهره‌مندی از نتایج تحقیقات علمی	✓	✓	✓
۱۱	تعریف موسع و شمولیت عام برای فرهنگ و اولویت دادن به مسائل فرهنگ عمومی	✓	----	✓
۱۲	حاکمیت نگاه فرهنگ شهروندی در پراختن به مسائل فرهنگی	✓	----	----
۱۳	نداشتن الگوی مسأله‌شناسی و ضعف در فهم درست مسائل	✓	✓	✓
۱۴	ابلاغ مسائل از نهادها و مدیران بالادستی و فهم و تفسیر مسائل در لایه‌های میانی مدیریتی به	✓	✓	✓

ردیف	وجه مقایسه	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد	سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
	صورت اقتضائی (مسأله‌شناسی تلفیقی) بین نهاد بالادست، نهاد میان دست و نهاد پایین دست))			
۱۵	حاکمیت نگاه بعدنگری نسبت به مسائل فرهنگی	✓	✓	✓
۱۶	تلاش برای استفاده از الگوی مفهومی و عقلانی برای مسأله‌شناسی فرهنگی	✓	----	----
۱۷	نگاه خنثی به مسائل فرهنگی	✓	----	----
۱۸	اصالت و اولویت خدمت فرهنگی برای حل مسائل فرهنگی	✓	✓	----
۱۹	فرهنگ به معنای معانی مشترک بین انسان‌ها و طرح مسأله‌ی فرهنگی به عنوان حدفاصل معانی و آرمان‌ها (تجربیات تاریخی مشترک)	----	✓	----
۲۰	الگوی تزاممی (اهمّ و مهم کردن) در پرداختن به مسائل فرهنگی به دلیل کندی سازمانی و سختی دستیابی به الگوی ثابت	✓	✓	✓
۲۱	مسأله‌شناسی فرهنگی با نگاه به پیوست اجتماعی	----	✓	----
۲۲	تجربه‌های عملی و بازخورد عملیات‌ها، عامل شکل‌گیری مسائل	✓	✓	✓
۲۳	ثابت بودن الگوهای مسأله‌شناسی	✓	✓	✓
۲۴	رویکرد مسأله محوری در برنامه‌ریزی	✓	----	----
۲۵	رویکرد فرآیند محور در برنامه‌ریزی	✓	----	----
۲۶	رویکرد تحول محور در برنامه‌ریزی	✓	✓	----
۲۷	فرهنگ به معنای اتحاد و وفاق داشته‌های مشترک معنایی و ارزشی با اولویت دادن به مسائل با صبغی دینی و معارضه با الگوهای غالبی جامعه‌ی مدرن	----	----	✓

ردیف	وجه مقایسه	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان	سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری مشهد	سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران
۲۸	نقش نتایج اثرسنجی و بازخوردگیری برای تعیین مسائل جدی‌تر و مبنایی‌تر	✓	✓	✓
۲۹	دیدگاه آسیبی و بحرانی نسبت به مسائل	✓	---	✓

منبع: یافته‌های تحقیق

حاصل این پژوهش نشان داد که الگوی مسأله‌شناسی فرهنگی سه سازمان مورد مطالعه که از سازمان‌های فرهنگی شهری تأثیرگذار نیز می‌باشند تفاوت‌های زیادی در وزن‌دهی و اولویت‌بندی مسائل و اتمسفر فهم مسأله‌ی فرهنگی - اجتماعی با یکدیگر دارند. هرچند این تفاوت‌ها را می‌توان به دلیل قرارگیری در جغرافیای مختلف و یا وجود دیدگاه‌ها و رویکردهای مختلف به فرهنگ در آنها دانست، اما پیشنهاد می‌شود چنین سازمان‌هایی با برگزاری نشست‌های مشترک علمی به هم‌اندیشی برای هم‌گرایی بیشتر و استفاده از تجربیات یکدیگر در عرصه فرهنگی مبادرت ورزند.

پس از انقلاب اسلامی صدها نهاد و سازمان فرهنگی در کشور پدید آمد که هر کدام با برنامه‌های متعدد در حال فعالیت هستند، اما شاهد آن هستیم که در بسیاری از حوزه‌های فرهنگی دامنه‌ی شدت و وسعت مسائل فرهنگی روزبه‌روز در حال گسترده شدن و فراگیری است و هیچ توفیقی در حل برخی مسائل به‌دست نمی‌آید. در این زمینه موازی‌کاری‌ها و انجام فعالیت‌های خنثی‌کننده، توسط بسیاری از دستگاه‌های فرهنگی مشکل را پیچیده‌تر می‌کند. برای رفع این مشکل در اولین گام ما نیازمند راه‌اندازی «اندیشکده واحد مسأله‌شناسی» با اختیارات کامل و تمام، برای تعریف فعالیت‌های فرهنگی ناظر به مسائل فرهنگی در سطح کشور هستیم. اندیشکده‌ای که کلیه سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی کشور را دربر بگیرد، از سازمان صدا و سیما و وزارت‌های علوم و آموزش و پرورش گرفته تا نهادهای استانی مانند سازمان‌های فرهنگی شهرداری‌های شهرها و ادارات ارشاد اسلامی استان‌ها و... و در یک تقسیم کار منطقی و نیز در تقسیم

عادلانه و منطقی امکانات و زیرساخت‌های فرهنگی، گامی جدی در زمینه‌ی اصلاح و رشد فرهنگی جامعه برداشته شود. اندیشکده‌ای که اولین حرکت آن مسأله‌شناسی هنگفت و همه‌جانبه‌ی فرهنگی از جزء جزء لایه‌های زمانی، جغرافیایی، نژادی، زبانی، دینی و انسانی ایران باشد و مدیران آن برای فهم و پیگیری مسائل فرهنگی حداقل ده سال فرصت مدیریتی برای کار داشته باشند، چراکه مدیریت فرهنگ با مدیریت‌های فنی و مهندسی و مالی تفاوت‌های بسیاری دارد و در فرهنگ روی کارآمدن هر مدیر به معنای صرف و ریسک مادی و معنوی بسیاری است و متأسفانه در ایران به تنها چیزی که در عزل و نصب‌های فرهنگی توجه نمی‌شود این مسأله است.

یادداشت‌ها

1. John Dewey
2. Karl Popper
3. Kevin V. Mulkahy
4. Snowball Sampling

۵. به عنوان مثال به بیانات مورخ ۱۳۹۵/۱۱/۰۱ و ۱۳۹۵/۰۲/۲۸ مراجعه نمایید.

کتابنامه

- استراس، آنسلم؛ و کوربین، جولیت (۱۳۸۵). اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌ی مبنایی. (بیوک محمدی مترجم). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (نشر اثر اصلی ۱۹۹۰).
 اشتریان، کیومرث (۱۳۹۱). مقدمه‌ای بر روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: جامعه‌شناسان.
 اشتریان، کیومرث (۱۳۸۶). سیاست‌گذاری عمومی در ایران. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
 اشتریان، کیومرث (۱۳۸۱). روش سیاست‌گذاری فرهنگی. تهران: کتاب آشنا.
 الوانی، سیدمهدی؛ و شریف‌زاده، فتاح (۱۳۸۷). فرآیند خط‌مشی‌گذاری عمومی. تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
 الوانی، سیدمهدی (۱۳۹۱). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: سمت.
 بنیانیان، حسن (۱۳۸۹). مسأله‌شناسی و مسأله‌یابی در جامعه ایرانی. تهران: سوره اندیشه.
 پهلوان، چنگیز (۱۳۷۸). فرهنگ‌شناسی: گفتارهایی در زمینه‌های فرهنگ و تمدن. تهران: پیام امروز.
 خدایی‌مهر، محمدمهدی (۱۳۹۲). مسأله‌یابی در سیاست‌گذاری سازمان‌های فرهنگی، مورد

- مطالعاتی: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی. (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه امام صادق علیه‌السلام. تهران، ایران.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس؛ و حجازی، الهه (۱۳۸۹). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری. چاپ نوزدهم. تهران: آگاه.
- شیری، طهمورث؛ و حسن استادعلی، زهرا (۱۳۹۲). عوامل موثر بر عملکرد و سیاست‌گذاری فرهنگی دولت نهم و دهم. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، ۶ (۱). ۱۲۱-۱۳۵.
- طرقی، مجید (۱۳۸۴). درسنامه روش تحقیق. قم: مرکز نشر هاجر.
- عنبری، موسی؛ و نگاهداری، بابک (۱۳۸۱). تعریف و ابعاد رصد فرهنگی. اداره کل روابط عمومی و افکار سنجی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.
- عابدی جعفری، حسین؛ تسلیمی، محمد؛ فقیهی، ابوالحسن؛ و شیخ‌زاده، محمد (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی. دوفصلنامه اندیشه مدیریت راهبردی. ۵ (۱۰). ۱۵۱-۱۹۸.
- غلام‌پور آهنگر، ابراهیم (۱۳۹۵). مسأله‌شناسی در حوزه فرهنگ. دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی راهبردی معاونت مدیریت و توسعه منابع وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. مؤسسه پویه مهر اشراق.
- قلی‌پور، رحمت‌الله (۱۳۸۹). تصمیم‌گیری و خط‌مشی عمومی. تهران: سمت.
- کاظمی، علی‌اصغر (۱۳۷۹). مدیریت و خط‌مشی دولتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کیوی، ریموند؛ و کامپنهود، لوک‌وان (۱۳۸۴). روش تحقیق در علوم اجتماعی (نظری و عملی) (عبدالحسین نیک‌گهر، مترجم)، تهران: توتیا.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر؛ و گال، جویس (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی. (جمعی از مولفان زیر نظر دکتر احمدرضا نصر اصفهانی، مترجمان). تهران: سمت.
- لیندولف، تامس؛ و تیلور، برایان (۱۳۸۸). روش‌های تحقیق کیفی در علوم ارتباطات (عبدالله گیویان، مترجم). تهران: همشهری (نشر اثر اصلی ۲۰۰۷).
- مختاریان‌پور، مجید (۱۳۹۳). عوامل تسهیل‌کننده اجرای موفق سیاست‌های فرهنگی کشور. مبتنی بر تجربیات برنامه‌های توسعه اول تا چهارم. فصلنامه راهبرد فرهنگ. ۷ (۲۷). ۳۳-۶۲.
- مشبکی، اصغر؛ و خادمی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). بررسی آسیب‌شناسانه سیاست‌ها و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی ایران بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه نامه پژوهش فرهنگی.

میلنر، اندرو؛ و جف براویت (۱۳۸۵). *درآمدی بر نظریه فرهنگی معاصر* (جمال محمدی، مترجم). تهران: ققنوس (نشر اثر اصلی ۲۰۰۲).

وحید، مجید (۱۳۸۱). بررسی فرایند شکل‌گیری و قرارگیری مشکل در عرصه عمومی و دستور کار سیاست‌گذار. *فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی*. ۵۷ (۵۰۸). ۲۸۵-۳۰۹.

ویمر، راجر دی؛ و دومینیک، جوزف آر (۱۳۹۱). *تحقیق در رسانه‌های جمعی* (کاووس سیدامامی، مترجم). تهران: سروش (نشر اثر اصلی ۲۰۱۱).

همایون، محمدهادی؛ و جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۸۷). *درآمدی بر مفهوم و روش سیاست‌گذاری فرهنگی*. درس‌هایی برای سیاست‌گذاران. *دوفصلنامه اندیشه مدیریت*. ۲ (۲). ۵-۳۵.

- Babbie E, (2002). *The basice of social research*. Belmont, Calif, London. Wadsworth/Thomason Learning.
- Braun, V & C. Victoria (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative research in psychology*. 13. 77-101.
- Dunn, William, (1994). *Public policy Analysis: An Introduction*. Prentice Hall.
- Dunn, W.N. (2004). *Public Policy Analysis: An Introduction*. Upper Saddle River: Prentice Hall.
- D'Zunlla, Thomas. & Marvin Goldfried, (1971). Problem solving and behavior modification. *Journal of Abnormal Psychology*. 78. 107-126.
- Edelman, murray.j, (1988). *Constructingthe political spectacle*. Chicago: university of Chicago Press . 12-13.
- Kevin V. Mulkahy, (2017). *Public Culture, Cultural Identity, Cultural Policy (Comparative Perspectives)*. Louisiana State University School of Political Science.
- Kingdon, John w.agendas, (1984). *Alternativeand policies*. Boston, little, brown and company.
- McGuigan, J, (1996). *Culture and Public Sphere*. London and New York, Routledge.
- Vesely, Arnost. (2007). Problem delimitation in public policy analysis. *Central European Journal of Public Policy*, 1 (1). 80-100.
- <https://www.farhangsara.ir>
<https://www.farhangi.mashhad.ir>
<http://www.esfahanfarhang.ir>